

زیوگانف:

از یاد نخواهند رفت قربانیان فاجعه فروپاشی شوروی

بهروز بکتاشی

در رابطه با "بیانیه رجال اجتماعی روسیه - پیرامون ضرورت بنای مجتمع یادبود- موزه خاطره قربانیان سرکوب" منتشر شده در مسکو که میخائیل گارباچف یکی از امضاء کنندگان آن بود، گنادی زوگانف دبیرکل حزب کمونیست روسیه فدراتیو موضع خود را چنین بیان نمود:

با قضاوت بر سبک و مضمون این بیانیه و بویژه بر ترکیب امضاء کنندگان آن که شخصیت هائی نظیر گارباچف نقش اصلی را دارند و در فروپاشی اتحاد شوروی بسیار فعال بودند بایستی گفت که در اینجا البته سخن بر سر احترام به افرادی که حقیقتاً سزاوار سرکوب های سالهای 30-40 قرن گذشته نبودند، نیست. یابود رنج دیدگان عمل شایسته ایست. اما این تلاش در ادامه کوشش نوبتی به بهانه های نظیر این برای تحقیر گذشته شوروی ما، نمادهای آن، دستاوردهای آن، قهرمانان و رهبران آن صورت می گیرد. مسئله اینست. ما شاهدیم که یکبار دیگر موتور لیبرالی فروپاشی پایه های سیستم دولتی به حرکت در آمده است. ایدئولوگ های این ماجرا بار دیگر سر بلند کرده اند، زیرا در انتخابات اخیر در بهترین حالت توانستند 1-2 درصد رای بدست بیاورند. کشور مدت هاست که آنان را طرد کرده است. در همین انتخابات جامعه نشان داد که برای آنها اعتباری قائل نیست و حالا آنها بجای پذیرفتن واقعیت خواب و خیال انتقام را در سر می پرو اند. خواب و خیالی که دیگر تحقق نخواهد یافت.

آنها مسئول نابودی سرنوشت دهها میلیون شهروند اتحاد شوروی در سالهای باصطلاح "نوسازی" و رفرمهای لیبرالی هستند. فروپاشی اتحاد کبیر خلق های برادر توسط همین شخصیت ها سازمان داده شد. آنها بطور ایده ای و روانی سری کامل جنگ ها و مناقشات را در فضای بعد از اتحادشوروی که در اثر آن بیش از **یک میلیون** شهروند کشته شد، بوجود آوردند. بسیاری از امضاء کنندگان این بیانیه مسئولیت سنگین اخلاقی را در طی 20 سال اخیر که کشور 10 میلیون جمعیت خود که 9 میلیون آن روس بودند را از دست داد، بر عهده دارند.

یادبود البته لازم است. مجسمه برای قربانیان و رنج دیدگان "نوسازی" و "رفورمهای" لیبرالی ضروری هستند. همچنین مجسمه برای افرادی که برای دفاع از قانون اساسی شوروی در سال 1993 کشته شدند. چرا در باره این قربانیان نسل کشی لیبرال - دموکرات در کشور ما اصلاً در رسانه های گروهی رسمی یاد نمی شوند. در صورتیکه این فلاکت شامل هر خانواده ای می شود. در این خانواده ها حتماً هستند کسانی که در سالهای 1988-93 و بعد از آن بدلیل داشتن عقاید سیاسی از کار اخراج شده اند، افرادی که تمامی ثمره زحمت و پس اندازهای مالی از آنان ربوده شد و به فقر کشانده شده اند، کسانی که نزدیکان خود را در جنگ های خانمانسوز و در موج ب ندیتسیم از دست دادند و فرزندان کسانی که با تماشای تلویزیون "دمکراتیک" معتاد مواد مخدر شدند.

بنظر من، چیزی را که به امضاء کنندگان این بیانیه یاد شده مربوط می شود، بر آنان واجب است که اعتراف کنند. اعتراف به آنچه که در طی سالهای گذشته آفریدند.

راه توده 180 09.06.2008